

**فرزندم ! در متن زیر ۲۰ غلط املایی وجود دارد. آن ها را مشخص کرده و صحیح آن ها را در پایین صفحه بنویس.**

چهل سال از همله ی خانمان سوز موغولان به ایران گذشته بود. در این هنگام آشوب دیگری برخواست. خاجه نصیر طوسی با خود گفت: جامعه، برای حفص خود، به سه چیز نیازمند است: شمشیر، قلم و دینار.

امید با هیيجان ، ولی خیلی آرام گفت: « پدر بزرگ! پدر بزرگ! همان مرد». در این هنگام ، مرد دست گیره ی در را چرخواند و وارد دگان شد. روی سندلی نشست. کیف چرمییش را باز کرد و کاغذ چهارگوش و خش رنگی از آن بیرون آورد.

شجاعت نترسیدن نیست بلکه آن است که انسان، بتواند در برابر حوادث و رنج ها و دوشواری ها ایستاده گی کند. سربازی که در صهنه ی نبرد ، وضعیفه ی خود را انجام می دهد، شجاع است. انسان شریفی که در شعله های آتش فرو می رود تا جان همنوع خود را نجات دهد. همه از زلزله، تسادف، غرق شدن، آتش سوزی و میکرب می ترسند. برای رسیدن به موفقیت ها همه به شجاعت نیازمندیم.